

## توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی - روستایی

غلامرضا حیدری\*

فهیمة جهان‌نما\*\*

### چکیده

با توجه به ساختار نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و تسلط بهره‌برداری خانوادگی که عمده نیروی کار آن را زنان و کودکان بدون مزد تشکیل می‌دهند، آمار رسمی و جامعی از میزان مشارکت زنان روستایی موجود نیست. این مقاله با هدف بررسی نقش زنان روستایی، به سهم آنها در تولیدات اصلی کشاورزی ایران می‌پردازد. طبق آخرین نتایج آمارگیری کشاورزی (سال ۸۰-۱۳۷۹) حدود ۸۲ درصد از مجموع زمین‌های زیرکشت به تولید حدود ۷۷ درصد از تولیدات زراعی اختصاص دارد. میزان مشارکت زنان روستایی در تولید برنج ۶۵ درصد، پنبه بیش از ۶۰ درصد، سبزی و صیفی ۸۰ درصد و در دامداری ۴۹/۸ درصد برآورد شده است، با این وجود، نقش مدیریتی زنان در زراعت و دامداری بسیار کم بوده و تصمیمات کلیدی به وسیله مردان گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد فرهنگ مردسالاری و نابرابری‌های جنسیتی سبب می‌شود زنان روستایی دارای هویت و پایگاه مستقلی نبوده و از امنیت اجتماعی برخوردار نباشند.

### واژگان کلیدی

تولید، دامپروری، زنان روستایی، کشاورزی.

heydari51@yahoo.com

fajahan@yahoo.com

\* پژوهشگر مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

\*\* عضو هیأت علمی سازمان آموزش و تحقیقات کشاورزی.

تاریخ دریافت مقاله: ۵ بهمن ماه ۱۳۸۱.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲.

## مقدمه

اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای که طبیعت به دلیل توانایی فیزیکی و بیولوژیک زنان به عهده آنان گذاشته است، باروری، جان‌بخشیدن و فرزندزایی، شیردادن و رسیدگی اولیه به کودک است که بقای نسل و اساس هستی انسان‌ها را رقم می‌زند. این توانایی منحصر به فرد و هستی‌ساز در وجود زنان، آنها را از مردان متمایز می‌کند. زن دوشادوش و همراه مرد در سراسر زندگی بشری نقش اساسی‌ای بازی کرده و این دو همواره مکمل بوده‌اند. بنابراین زنان به طور منطقی و براساس فطرت انسانی خواهان فرصت‌های برابر با مردان بوده‌اند (محبوبی، ۱۳۷۴). آنها نیز در پی سلامت، ثروت، آسایش، ارتقای سطح معلومات، آگاهی‌ها، مهارت‌ها و کمال‌جویی‌های خود هستند و نشان داده‌اند که می‌توانند افرادی مطلع، خلاق، صاحب‌نفوذ، کارآمد و مدیر باشند، حس کنجکاو خود را ارضا کنند، دوست بدارند و مورد محبت قرار گیرند.

با این همه ابنای بشر همواره شاهد نوعی برتری‌جویی‌های جنسیتی در تمامی جوامع بوده است، که در فراز و نشیب‌های تاریخی و به مقتضای جوامع، در روابط اجتماعی پدیدار گردیده و متناسب با کارکردهای خود دوره‌هایی از تاریخ بشر را به خود اختصاص داده است. در همین راستا طی دهه‌های اخیر تلاش‌های مستمری برای کاهش پاره‌ای تبعیضات صورت گرفته (باسراپ<sup>۱</sup>، ۱۹۷۰؛ جین<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸) که اغلب مبتنی بر این باور اساسی بوده است: که اگر از نظر توان فیزیکی و بیولوژیک تفاوتی بین زن و مرد مشاهده می‌شود، اما هنوز ثابت نشده است که از لحاظ توان ذهنی تفاوتی بین آنان وجود داشته باشد. به عبارت دیگر مشکلات زنان از کمبودهای ذهنی یا شخصیتی آنان ناشی نمی‌شود بلکه سیستم اجتماعی مبتنی بر تبعیضات جنسی است که از یک سو برتری مردان را مشروعیت بخشیده و از سوی

---

1. Boserup

2. Jeanne

دیگر فرصت‌های لازم را از زنان برای شکوفایی توانمندی‌ها و رسیدن به همطرازی با مردان از آنان دریغ کرده است (سازمان ملل، ۱۹۹۶).

## نقش زنان در کشاورزی

زنان به دلیل مسئولیت حفظ افراد تحت سرپرستی و تغذیه آنها رفته رفته به خوراکی بودن گیاهان پی بردند و زمان و مکان رویش آنها و در نهایت زراعت را کشف کردند. تقریباً همه انسان‌شناسان و باستان‌شناسان معتقدند که زنان به لحاظ تاریخی اولین کشاورزان جهان محسوب می‌شوند. همین امر تا دوره‌ای از تاریخ باعث برتری زن بر مرد بوده است. مورگان<sup>۱</sup>، مالینوفسکی<sup>۲</sup>، دورانت<sup>۳</sup> و کوسون<sup>۴</sup> به برتری زن در نظام مادرسالاری اشاره دارند (علویقی، ۱۳۵۷).

طبق یک باور عمومی، زنان همان‌طور که خود می‌زاینند زمین را هم بارور می‌کنند و زن مادر انسان و زمین است. شخصیت محوری و کانونی زن که بازتابی از توانایی‌های بالفعل بالقوه او در گردآوری، رویاندن، حفاظت، سیر کردن و زندگی بخشیدن است، در شکل ظاهری و ساختار ظروف عصر کشاورزی نخستین نمایان شده است. این ظروف نمایشی از نماد طبیعت زنان و موقعیت اجتماعی و توانایی‌های زنان است (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱).

اینگلف بویس<sup>۵</sup> در کتاب روابط ایران و دانمارک از آغاز تا عصر حاضر

می‌نویسد:

یکی از مهیج‌ترین و انقلابی‌ترین حوادث تاریخ بشر در نه‌هزار سال پیش رخ داد. در آن موقع یکی از افراد بشر که احتمالاً زن بوده، تصمیم گرفت دانه‌های وحشی جو و گندم را

- 
- 1 . Morgan
  - 2 . Malinovsky
  - 3 . Durant
  - 4 . Coson
  - 5 . Englf Bois

جمع کند و آنها را بکارد و بدین وسیله اولین قدم را (زن) برای اسکان و توطن بشر بردارد (انصافیور، ۱۳۴۶: ۳۰۸).

در هزاره پنجم قبل از میلاد که زن مقام الوهیت داشته، تحت سرپرستی او در کلیه شئون زندگی، مثل تشکیل خانواده و امور تولیدی، باغداری و کشت و زرع و صید و شکار و گله‌داری، پیشرفت‌های تحول‌آمیزی پدید آمده است. طبق تحقیقات باستان‌شناسان، یکی از مراکز فعالیت مردمان این دوره ناحیه سیلک کاشان بوده که آثار گوناگون مشکوفه آن مؤید این حقیقت می‌باشد.

چنان‌که باستان‌شناسان و مورخین معلوم داشته‌اند، در تمام دوره‌های تاریخ تمدن اولیه، یعنی زمان‌هایی که هنوز دوران تسلط مرد بر زن شروع نشده بود و مرد زن را به سبب ارزش فوق‌العاده‌اش مانند گنجی در نهانخانه محدود نساخته بود، زن با امتیاز و برتری خیلی زیادی بر مرد، کارهای مختلفی را که بعضی از آنها سنگین و دشوار هم بوده انجام می‌داده است. کما این‌که هنوز هم در میان بعضی قبایل افریقایی که رسوم کهنه خود را از دست نداده‌اند، زنان به کارهای مردان اشتغال دارند و تمام روز در بیشه‌ها کار می‌کنند و مردان مانند زنان دوران محدودیت در کلبه نشسته‌اند و به آرایش سر و صورت می‌پردازند و چشم‌شان به دست زنان‌شان می‌باشد.

این شیوه حتی در دوره‌های خیلی بعد هم که بشر از لحاظ ابزار کار و تمدن به پیشرفت‌های زیادی نائل شد، یعنی در حدود هزار سال پیش و بلکه هم پس از آن، در بسیاری جاها رواج داشته است. در کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب* چنین نوشته شده است:

... گیلان ناحیتی آبادان و بانعمت و توانگر است و کار کشت و برز همه زنان‌شان کنند و مردان‌شان (را) هیچ کار نیست مگر که حرب ... (انصافیور، ۱۳۴۶: ۳۰۹).

هرودوت مورخ یونانی می‌نویسد:

زنان سمرت Sarmate، همسایگان غربی سیت‌ها Seyths (ساکنین دره دانوب) در شکار و جنگ با مردان شرکت می‌کردند و مانند آنها لباس می‌پوشیدند.

به‌طور کلی زنان از آغاز در هر کاری که مردان انجام می‌داده‌اند شرکت داشته‌اند، چه زمانی که در مقام خدایی و مادرشاهی بوده‌اند و چه دورانی که محدودیت‌های اجتماعی برایشان مترتب شده بود، در همه حال استعدادات خود را گاه برابر مرد و گاه به‌طور برتر به‌طور می‌رسانده‌اند (انصافیور، ۱۳۴۶: ۳۰۹-۳۰۸).

## چارچوب مفهومی

### • توانمندسازی زنان روستایی

اولین گام در جهت توانمندسازی فراهم کردن نیازهای تغذیه‌ای، بهداشتی و آموزشی است. پس از آن فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ارتقای سطح دانایی و آگاهی زنان برای شناخت واقع‌بینانه ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنها می‌باشد. چنین شناختی برای استفاده از فرصت‌ها، اعاده حقوق اجتماعی و خانوادگی، آشنایی با محدودیت‌ها و نیازهای واقعی و همچنین تقویت خودباوری ضروری بوده و نقش مهمی در فائق آمدن بر نابسامانی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهد داشت. مرحله بعد، مشارکت واقعی زنان در تمامی مراحل برنامه‌ریزی شامل تشخیص نیاز، تصمیم‌گیری، مدیریت، هدایت، اجرا، بازنگری و ارزشیابی از یک سو و سهیم بودن آنان در منافع طرح‌ها و برنامه‌ها از سوی دیگر است.

توانمندی‌های زنان هنگامی تحقق پیدا می‌کند که زنان در کنترل و دسترسی به منابع مادی و غیرمادی در حیطه خانواده، جامعه و کشور از حقوق یکسان با مردان برخوردار باشند، قدرت در خانواده و جامعه توزیع مجدد شود، حق انتخاب در زندگی اعاده گردد و در عین حال زنان بر انتخاب‌های دیگران تأثیرگذار باشند. یعنی بین زن و مرد توازن برقرار شود.

زنان روستایی بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهند. سهم زنان روستایی در نیروی کار کشورهای جهان سوم به دلیل سنتی بودن

ساختار تولید و روابط کار، بیشتر از مردان و همچنین بیشتر از زنان و مردان کشورهای توسعه یافته است. (تورس آماریلیس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹).

زنان روستایی براساس توانایی خود در بسیاری از امور تولیدی اعم از زراعی، دامی، تولید فرآورده‌های کشاورزی و صنایع دستی فعالیت دارند که هرچند تولیدات آن در برخی موارد جنبه خودمصرفی داشته اما اغلب برای کسب درآمد و عرضه به بازارهای ملی و بین‌المللی انجام می‌گیرد. با این حال با توجه به ساختار نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی کشور و تسلط بهره‌برداری‌های کوچک و متوسط و مزارع خانوادگی که عمده نیروی کار آنان را زنان و کودکان بدون مزد تشکیل می‌دهند، هنوز آمار رسمی و جامعی از میزان مشارکت آنان در مراحل گوناگون تولید کشاورزی در دست نیست (فلدمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). افزون بر آن هنوز دسترسی زنان به درآمدهای حاصل از این فعالیت‌ها اندک است و فاقد استقلال اقتصادی موردانتظار هستند؛ در حالی که سهم کاری آنان اقتضا می‌کند که از چنین استقلالی برخوردار باشند.

زنان روستایی علاوه بر مشارکت مؤثر در تولیدات کشاورزی، در سایر عرصه‌های غیرتولیدی نیز نقش‌های منحصربه‌فرد دارند. یکی از آنها انتقال ارزش‌های فرهنگی به کودکان است. در همین ارتباط است که نخستین و اساسی‌ترین مراحل شکل‌گیری شخصیت و اجتماعی شدن زنان و مردان آینده هر جامعه تحقق می‌یابد. این مهم در تمامی جوامع در حوزه وظایف زنان قرار دارد. بنابراین ایفای نقش‌های گوناگونی که جامعه به عهده زنان به‌ویژه زنان روستایی قرار داده است، مدیریتی چندجانبه را می‌طلبد که نشانگر اهمیت و پیچیدگی وظایف زنان است. مثلاً فرزندآوری، رسیدگی به کودک، مدیریت خانه، حفظ شبکه خویشاوندی و انجام کارهای خارج از منزل مستلزم تدبیر ویژه‌ای است.

1 . Torres Amayllis

2 . Feldman

### • زنان روستایی در روند توسعه

الگوی توسعه در دهه ۶۰-۱۹۵۰ عمدتاً بر افزایش منابع مادی و رشد اقتصادی متمرکز بود و توجه چندانی به جنبه‌های غیرمادی توسعه به‌ویژه انسان و منابع انسانی به عنوان هدف و عامل اصلی توسعه نداشت. اجرای این الگو در تعدادی از کشورهای جهان سوم به سرعت نارسایی‌های خود را برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و توسعه‌نیافتگی‌های انسانی نشان داد. به تدریج الگوهای جدیدی از توسعه مطرح شد که در آن نه تنها رشد متغیرهای اقتصادی بلکه جنبه‌های کیفی زندگی، توسعه منابع انسانی، درهم‌تنیدگی و جامعیت، توازن و اخیراً پایداری هم مورد توجه قرار گرفته است.

در الگوی اخیر توسعه، مفاهیم جدیدی مانند تعالی انسان، کاهش نابرابری‌های جنسیتی، نژادی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی، به‌ویژه مشارکت مؤثر و دستیابی بیشتر و متعادل‌تر انسان‌ها بر منابع در اولویت قرار گرفته است. در الگوهای قبلی توسعه، مردان محور اصلی برنامه‌ها و طرح‌ها بوده و زنان کمتر مورد توجه بودند. در سال‌های اخیر جایگاه تعیین‌کننده زنان در اغلب برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است (بلومبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱).

اعلام سال جهانی زن (۱۹۷۵) و دهه زن از طرف سازمان ملل متحد توجه جهانیان را بیش از پیش به نقش زنان در روند توسعه جلب کرد. کنگره ناپروبی با موضوع «استراتژی آینده برای پیشرفت زنان» در پایان دهه زن برگزار شد (سازمان ملل، ۱۹۸۵). اما بیشتر به نقش باروری، پرورش نیروی انسانی، بهداشت و رفاه خانواده پرداخت و به نقش و سهم زنان در تولید توجه چندانی نشد.

کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی در سال ۱۹۷۹ در رم (فنی، ۱۳۷۶) مشارکت برابر زنان و مردان در توسعه روستایی را مورد تأکید قرار داد. گزارش بررسی جهانی در سال ۱۹۸۴ نشان داد که تا پیش از این، هیچ کشور توسعه یافته‌ای در برنامه توسعه بخش کشاورزی خود، زنان روستایی را در نظر نداشته

1. Blumberg

است. ولی از سال ۱۹۸۵ تغییرات اساسی در این کشورها رخ داد (شادی‌طلب، ۱۳۷۴). در گزارش سال‌های ۹۴-۱۹۹۰ توسعه انسانی سازمان ملل متحد آمده است: عموماً قوانین به نفع زنان نبوده، آنان از حق مالکیت زمین، اخذ وام‌های مورد نیاز، انعقاد قرارداد و دخالت در تصمیم‌گیری محرومند (امیری، ۱۳۷۴).

این گزارش در جایی دیگر از زنان به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه محروم جهان نام برده است.

سازمان خواروبار جهانی (فائو) در نوامبر ۱۹۹۹ برای حضور فعال زنان روستایی و مشارکت آنان در توسعه ضمن ارائه یک برنامه کاری برای کشورهای در حال توسعه، حمایت از زنان را نه تنها به‌خاطر ایفای نقش‌های مهمی همچون مادری، همسری و مدیریت خانواده، بلکه علاوه بر آن به‌خاطر سهم قابل ملاحظه آنان در تولید کشاورزی مورد تأکید قرار داده است. با این حال هنوز جنسیت ملاک بسیاری از تفاوت‌ها محسوب می‌شود (شادی‌طلب، ۱۳۷۴).

به طور مثال: با آن‌که ژاپن در سال ۱۹۹۲ مقام اول را در توسعه انسانی کسب نمود، اما در شاخص توسعه انسانی حساس نسبت به جنسیت در مقام هفدهم قرار گرفت. به همین ترتیب کانادا از مقام دوم به یازدهم و سوئیس از مقام چهارم به چهاردهم سقوط کرد. اما سوئد از مقام پنجم به اول، نروژ از مقام سوم به دوم و فرانسه از مقام هشتم به سوم رسید (فخرالدین، ۱۳۷۳).

توجه ویژه به نقش زنان در کشاورزی متضمن تلاش برای شناسایی هرچه دقیق‌تر انواع و میزان فعالیت آنان از یک سو و شناسایی و رفع موانع و مشکلات آنان در مسیر توسعه کشاورزی از سوی دیگر است.

علاوه بر این، سیاستگذاری بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای و همچنین ساختار اقتصادی، اجتماعی فرهنگی از دیگر عوامل دارای اهمیت هر جامعه است که نقش مؤثری در چگونگی موقعیت زنان در روند توسعه دارد. در دیدگاه جدید، توسعه فقط به معنای افزایش دستیابی زنان به منابع (عوامل تولید، سرمایه) آموزش، رفاه و بهداشت نیست، بلکه مهم‌تر از آن مشارکت آنها در فرایندی است که این مواهب از



آن حاصل می‌شود. زنان نباید مانند کودکان صرفاً استفاده‌کننده از مواهب توسعه باشند، بلکه باید در تشخیص تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی و اجرا برای فائق آمدن بر مشکلات، مشارکت جدی داشته باشند. تاکنون ظرفیت‌های قابل ملاحظه زنان روستایی در مراحل گوناگون توسعه به صورت کامل و واقعی مورد توجه قرار نگرفته و به تبع آن مانع دسترسی آنها به اشتغال، درآمد، بهداشت، آموزش و منزلت اجتماعی شده است.

نکته مهم دیگر ارتباط بین تأخر تحولات فرهنگی و اجتماعی و تغییرات اقتصادی و فنی است. چرا که این تأخر مانع شکوفایی خلاقیت‌ها و استعدادهای تعیین‌کننده زنان در جامعه و در فرایند توسعه - به‌ویژه در زمینه تولید و فرآوری محصولات و امنیت غذایی - شده است.

در مورد اثرات تکنولوژی بر موقعیت اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی نظرات متفاوتی وجود دارد. بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که توسعه ماشین‌آلات و تکنولوژی باعث کاهش تقاضای نیروی کار زنان شده است، به این معنی که درآمد و در نتیجه کنترل زنان در سطح خانوار کاهش یافته است (کرمی و منفرد، ۱۳۷۶). حتی اثرات این فرایند بر زنان فقیر بیشتر بوده است. اما بعضی از اقتصاددانان مانند استیونز<sup>۱</sup> و جابارا<sup>۲</sup> معتقدند که زنان روستایی در جریان مکانیزاسیون به میزان بیشتری از مواهب توسعه بهره‌مند می‌شوند (مهرابی بشرآبادی، ۱۳۷۶). زیرا در اثر مکانیزاسیون زمین‌های بیشتری زیر کشت رفته، میزان تولید و تنوع فرآورده‌های کشاورزی افزایش یافته و به تبع آن نیازها و فرصت‌های جدید کار ایجاد می‌شود که توانایی زنان را در این مورد افزایش می‌دهد.

واقعیت آن است که توسعه مکانیزاسیون و استفاده از تجهیزات فنی مدرن در فعالیت‌های کشاورزی و روستایی، بسیاری از کارهای سنگین و پرمشقت را از دوش کارگران و کشاورزان برخواهد داشت. وقت و فرصت بیشتری را برای آنان آزاد

1 . Stevens

2 . Jabara

خواهد کرد و در عین حال زمینه‌های بیشتری را برای تولید و فرآوری آماده خواهد کرد؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود که ادامه چنین روندی در مجموع نه تنها از میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی نخواهد کاست، بلکه عرصه‌های جدیدی را برای نقش‌آفرینی آنان پدید خواهد آورد.

به نظر می‌رسد که نقش زنان روستایی در عرصه‌های جدید به پاره‌ای فعالیت‌های کارگری ساده محدود نبوده بلکه بیش از پیش به مراتب عالی‌تر کاری به خصوص ایده‌پردازی، تصمیم‌گیری و مدیریتی گسترش خواهد یافت، مشروط بر آن که پایه‌پای گسترش ابعاد سخت‌افزاری، زمینه‌های لازم برای توسعه منابع انسانی زنان روستایی و توانمندسازی آنان فراهم گردد.

زنان روستایی در بعضی جوامع به‌عنوان اولین مدیران منابع طبیعی و اولین نگهبانان طبیعی محیط قلمداد می‌شوند. می‌شرا<sup>۱</sup> معتقد است که زنان روستایی در مقایسه با مردان و نقش پرورشی آنها در نزدیکی به محیط و طبیعت تعامل بیشتری با محیط نشان می‌دهند. آنها برای جلوگیری از تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی باید فعالیت بیشتری برای جمع‌آوری سوخت و سایر مایحتاجی داشته باشند که معمولاً از صحنه طبیعت تأمین می‌شوند. زنان روستایی می‌توانند در جلوگیری از تولید زباله و آلودگی محیط نقش درخور توجهی ایفا کنند (آزادی و کرمی، ۱۳۷۶).

## روش پژوهش

برای برآورد میزان مشارکت زنان روستایی از نتایج سه بررسی به شرح زیر استفاده شده است:

بررسی اول شامل حوزه آبریز شرقی، جنوبی و مرکزی کشور است که بالغ بر ۵۰ میلیون هکتار از مجموع ۱۶۵ میلیون هکتار وسعت سرزمین و اغلب استان‌های کشور را در برمی‌گیرد. در این بررسی ضمن ارائه شناختی از شرایط کلی مناطق و وضعیت

1. Mishra

زنان روستایی، میزان مشارکت آنان در فعالیتهای زراعی و باغی، دامداری، تولید فرآوردههای کشاورزی، صنایع دستی به لحاظ کاری و مدیریتی برآورد شده است. بررسی دوم که به منظور تکمیل مطالعات اول در سایر استانهای کشور انجام شده مبتنی بر یک برآورد کارشناسی در مورد میزان مشارکت زنان در تولید محصولات کشاورزی است. این دو بررسی در نیمه سال ۱۳۷۰ به وسیله مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وابسته به وزارت کشاورزی انجام شده است. بررسی سوم شامل مطالعاتی است که طی سال‌های ۷۵-۱۳۷۳ به وسیله معاونت ترویج وزارت کشاورزی در ۸۳ روستای کشور در مورد وضعیت زنان روستایی صورت گرفته است که از نتایج این مطالعات نیز استفاده شده است. در این مقاله کوشش شده تلفیقی از یافته‌های مطالعات انجام شده، برای شناخت دقیق‌تر جایگاه، نقش و توانمندی‌های زنان روستایی کشاورز به کار گرفته شود.

## یافته‌های پژوهش

### مشارکت زنان در بخش کشاورزی و روستایی ایران

#### ۱. جایگاه زنان روستایی

پیش از اصلاحات ارضی مشارکت زنان در مجموعه نیروی کار کشاورزی خانوار محسوس بود. اگر نسق زراعی خانوار کم بود نیروی کار زن خانوار در مزارع دیگران به خصوص زمین‌های اربابی صرف می‌شد. به عنوان نمونه: چیدن پنبه فقط به وسیله زنان و کودکان انجام می‌گرفت. در کشت برنج، آماده کردن زمین، تهیه کود طبیعی، تهیه بذر، انتقال به خرانه، نشاکاری، وجین، خشک کردن و پوست‌گیری و گاهی درو به عهده زنان بود. در امور باغداری و دامداری نیز عمده فعالیت‌ها به وسیله زنان انجام می‌شد.

در جریان اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ زمینی به زنان واگذار نشد. اما استفاده از نیروی کار زنان به صورت ارزان و حاشیه‌ای همچنان ادامه یافت. با ورود

تکنولوژی جدید و مکانیزه شدن کشاورزی حضور زنان در بعضی از فعالیت‌های کشاورزی کاهش یافت. مثلاً به‌کارگیری بذر اصلاح شده و انواع علف‌کش‌ها عملیات وجین را کاهش و در پاره‌ای امور به طور کلی منتفی کرد. استفاده از کمباین در برداشت محصول، مشارکت زنان را به طور محسوسی کاهش داد. این در حالی است که استفاده از ماشین‌آلات در انحصار مردان قرار گرفت.

به نظر می‌رسد افزایش مکانیزاسیون و تخصص در فعالیت‌های کشاورزی باعث شده است که زنان شاغل در جامعه روستایی و بخش کشاورزی جذب امور خانگی شوند و در نتیجه پایگاه اجتماعی آنان تضعیف گردد. به عبارت دیگر کاربرد تکنیک‌های جدید، پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متعددی بر نقش تولیدی زنان روستایی داشته است. با این حال میزان مشارکت زنان در مراحل گوناگون تولید برای همه محصولات یکسان نبوده و متناسب شرایط و روش‌های تولید، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در آنها مشاهده می‌شود. مثلاً در مزارع تجاری که محصولات نقدی تولید می‌کنند، از زنان به‌صورت کارگران کشاورزی مزدبگیر استفاده می‌شود. در کشت محصولات کاربر مانند برنج، پنبه، چغندر قند و انواع سبزیجات نقش تولیدی زنان همچنان به قوت خود باقی است. اما در کشت محصولاتی مانند گندم و جو که استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی در مراحل گوناگون تولید نسبت به سایر محصولات بیشتر است، مشارکت نیروی کار زنان کاهش یافته است (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴).

افزایش مهاجرت مردان روستایی به شهرها و مراکز صنعتی به نحو دیگری باعث مشارکت زنان گردیده و حتی مفهوم خاصی از زنان سرپرست خانوار را پدید آورده است. مهاجرت مردان به شهرها باعث افزایش وظایف زنان روستایی می‌شود. مهاجرت زنان روستایی به شهرها اغلب به دنبال مردان انجام می‌گیرد و باعث تخلیه روستاها از کارآمدترین نیروهای اقتصادی می‌شود، در حالی که زنان روستایی در مناطق شهری نمی‌توانند کارآیی چندانی داشته باشند.

زنان روستایی به عنوان رکن اساسی واحدهای تولیدی همواره مطرح بوده‌اند و به طور متوسط ۵۰ درصد نیروی کار را تأمین می‌کنند. بنابراین سرمایه‌گذاری برای ارتقای بهره‌وری نیمی از نیروی کار بخش کشاورزی علاوه بر موضوعیت آن به لحاظ توسعه انسانی، توجیه اقتصادی هم دارد.

#### ۱-۱. مشارکت زنان در تولید محصولات منتخب کشاورزی

زنان روستایی به لحاظ سنتی مشارکت مؤثری در فعالیت‌های گوناگون تولید محصولات کشاورزی، فرآورده‌های دامی و صنایع دستی داشته‌اند. اغلب مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر ناظر بر شناخت این فعالیت‌ها و محاسبه و تعیین میزان مشارکت زنان در مراحل گوناگون تولید محصولات کشاورزی بوده است.

برای ارائه میزان مشارکت زنان روستایی در تولیدات کشاورزی جایگاه ۱۲ محصول عمده در الگوی زراعی کشور و میزان مشارکت زنان در تولید این محصولات نشان داده می‌شود تا بتوان نقش اقتصادی و تولیدی زنان روستایی را در یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور به طور ملموس ترسیم کرد.

طبق آخرین نتایج آمارگیری محصولات کشاورزی در سال زراعی ۸۰-۱۳۷۹ حدود ۸۱/۶ درصد یعنی ۱۰/۸ میلیون هکتار از مجموع زمین‌های زیرکشت کشور به تولید ۱۲ محصول اختصاص داشته است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱). سهم این محصولات به لحاظ میزان تولید نیز ۴۵/۵ میلیون تن بوده که بالغ بر ۷۶/۸ درصد از تولیدات زراعی کشور را شامل می‌شود. پس این محصولات در الگوی زراعی کشور جایگاه عمده‌ای دارند. بنابراین مشارکت زنان روستایی در مراحل گوناگون تولید این محصولات نشانگر حضور گسترده آنان در تولید عمده‌ترین محصولات کشاورزی کشور می‌باشد.

جدول شماره ۱. برآورد درصد مشارکت زنان در تولید محصول زراعی\* به تفکیک مناطق

حوزه مورد مطالعه	نوع محصول مراحل تولید	برنج	گندم و جو	جای	چوبان	پنبه	سبزی و صیفی	دانه‌های روغنی	سیب‌زمینی و پیاز	گیاهان صیفی	زعفران	گیاهان علوفه‌ای	چمن‌رقتند	مجموع**
حوزه شماره ۱ گیلان مازندران گلستان	آماده نمودن زمین	۱۰	۵	۱۰	x	۱۰	۳۵	۱۰	۱۰	۱۰	-	-	-	بسیار کم
	کاشت	۶۲	۲۰	۴۰	x	۱۶	۷۰	۴۰	۱۰	۳۰	-	-	-	۵۰
	داشت	۴۰	۴۰	۵۰	x	۵۰	۸۰	۴۰	۲۰	۴۰	-	-	-	۵۵
	برداشت	۴۰	۴۰	۹۰	x	۷۷	۸۰	۷۰	۵۰	۶۰	-	-	-	۲۵
	پس از برداشت	۳۰	۱۰	۲۰	x	۱۶	۸۰	۷۰	۲۰	۲۰	-	-	-	-
	کل مراحل	۶۵	۲۸	۸۰	x	۶۱	۸۰	۶۵	۴۰	۴۵	-	-	-	-
حوزه شماره ۲ آذربایجان غربی و شمال خراسان	آماده نمودن زمین	-	-	-	۱۰	x	۱۰	۵	۱۰	x	-	-	-	بسیار کم
	کاشت	-	-	-	۲۰	x	۳۰	۵۰	۵۰	x	-	-	-	۴۵
	داشت	-	۲۵	-	۲۰	x	۷۰	۴۰	۸۰	x	-	-	-	۲۳
	برداشت	-	۲۰	-	۴۰	x	۷۵	۸۰	۵۰	x	-	-	-	۲۵
	پس از برداشت	-	-	-	۳۰	x	۵۰	۲۰	۵۰	x	-	-	-	-
	کل مراحل	-	۲۵	-	۲۵	-	۵۵	۸۰	x	۴۵	x	-	-	-
حوزه شماره ۳ خراسان سمنان یزد	آماده نمودن زمین	۱۰	۱۰	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	بسیار کم
	کاشت	۱۰	۵۰	-	۴۰	۱۵	۶۰	۱۰	۲۵	۴۰	۵۰	۱۰	۵	۵
	داشت	۸۰	-	-	۵۰	۵۰	۷۰	۶۰	۲۵	۹۰	۶۰	۵۰	۸۵	۱۲
	برداشت	۵۰	۳۵	-	۵۰	۸۰	۸۰	۵۰	۶۰	۹۰	۷۰	۸۰	۸۰	۱۲
	پس از برداشت	۱۰	۳۰	-	۹۰	۲۰	۷۰	۱۰	۲۰	x	۶۰	۱۰	-	-
	کل مراحل	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	-

\*. علامت (x) به معنی در دسترس نبودن اطلاعات و علامت (-) به معنی نبود کشت در منطقه مورد مطالعه است.

\*\* میانگین کل استان‌ها برای کاشت ۲۶/۸ درصد، داشت ۳۱/۲ درصد و برداشت ۳۴/۳ درصد برآورد شده است.

ادامه جدول شماره ۱. برآورد درصد مشارکت زنان در تولید محصول زراعی به تفکیک مناطق

حوزه مورد مطالعه	نوع محصول	برنج	گندم و جو	چای	حبوبات	بج	سبزی و صیفی	دانه‌های روغنی	سبزی‌تنه‌ای و پیاز	گیاهان صنعتی	زعفران	گیاهان علوفه‌ای	چمن‌رشد	مجموع
حوزه شماره ۴ تهران - مرکزی همدان - قزوین کرمانشاه کردستان	آماده نمودن زمین	۱۰	۵۰	-	۱۰	۱۰	۱۰	-	۲۵	x	-	-	-	بسیار کم
	کاشت	۵۰	۱۰	-	۳۰	۲۰	۱۵	-	۲۵	x	-	-	-	۵
	داشت	۷۰	۱۰	-	۵۰	۲۰	۳۵	-	۲۰	x	-	۲۰	۴۵	۱۲
	برداشت	۳۰	۲۰	-	۵۰	۷۰	۴۵	۵	۴۵	x	-	x	۳۰	۱۲
	پس از برداشت	۲۰	x	-	۴۰	۲۰	۲۰	۳۰	۲۰	x	-	-	-	-
	کل مراحل	x	x	-	x	x	x	x	x	x	x	-	x	x
حوزه شماره ۵ اصفهان - فارس چهارمحال و بختیاری	آماده نمودن زمین	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	۱۵
	کاشت	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	۸
	داشت	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	۱۵
	برداشت	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	۶۷
	پس از برداشت	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	۱۵
	کل مراحل	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x
حوزه شماره ۶ کهگیلویه و بویراحمد جیرفت کهنوج - کرمان سیستان وبلوچستان بوشهر خوزستان	آماده نمودن زمین	۴۰	۱۰	-	۱۰	۱۵	۲۰	-	-	-	-	-	-	بسیار کم
	کاشت	۸۰	۱۰	-	۲۵	۲۰	۲۵	۱۵	۱۵	-	-	۲	-	۴۸
	داشت	x	۹	-	۴۰	۲۰	۴۰	۱۶	۳۰	-	-	-	-	۶۰
	برداشت	x	۲	-	۴۰	۴۰	۴۰	۲۷	۲۰	-	-	-	-	۶۵
	پس از برداشت	x	x	-	x	x	x	x	x	x	-	-	-	x
	کل مراحل	x	x	-	x	x	x	x	x	x	-	-	-	۴۰

مأخذ: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۵

### • برنج

برنج در ۱۹ استان کشور کشت می‌شود. مشارکت کاری زنان در مراحل پنج‌گانه تولید برنج شامل آماده‌سازی، کاشت، داشت، برداشت و پس از برداشت در مناطق گوناگون کشور متفاوت است و طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد که برای برخی مراحل تولید مانند کاشت به بیش از ۸۰ درصد در مناطق می‌رسد.

### • گندم و جو

گندم و جو در تمام استان‌های کشور کشت می‌شود. ۲۰ درصد از میزان تولیدات کشاورزی به این محصولات اختصاص دارد. گندم و جو از جمله محصولاتی است که برخی مراحل تولید آنها مانند کاشت و برداشت تا حد زیادی مکانیزه شده است. از این رو مشارکت زنان در مراحل گوناگون تولید این محصولات در مقایسه با سایر محصولات کاربر کمتر است.

### • چای

کشت چای به گیلان و مازندران اختصاص دارد. طبق نتایج به‌دست آمده از بررسی‌های انجام شده، مشارکت زنان در تولید این محصول از حداقل ۱۰ درصد در مرحله آماده‌سازی زمین تا حداکثر ۹۰ درصد در مرحله برداشت برآورد شده است. مشارکت زنان در این استان‌ها، در تولید این محصول، بسیار چشمگیر است. مطالعه موردی شهرستان لاهیجان نیز مشارکت زنان را در تولید این محصول بیشتر از مردان نشان می‌دهد و در قشریندی خانوارها، مشارکت زنان قشر پایین و متوسط را بیشتر از قشر مرفه گزارش کرده است (سرحدی و دیگران، ۱۳۷۴).



### • حبوبات

حبوبات شامل نخود، لوبیا، عدس و غیره حدود ۱ درصد از تولیدات کشاورزی کشور را شامل می‌شود. این محصولات تقریباً در تمام استان‌های کشور کشت می‌شود. میزان مشارکت زنان شمال کشور در تولید حبوبات تا حدود ۸۰ درصد برآورد شده است. در مراحل گوناگون تولید نیز میزان مشارکت متفاوت بوده و از حداقل ۱۰ درصد در مرحله کاشت تا حداکثر ۹۰ درصد در مرحله پس‌از برداشت بوده است.

### • سبزی و صیفی

سبزی و صیفی از جمله محصولات بسیار کاربر است که سهم نیروی کار زنان و کودکان در تولید آن چشمگیر می‌باشد و حدود ۱۵ میلیون تن (۲۵ درصد) از تولیدات کشاورزی کشور را شامل می‌شود. میزان مشارکت کلی زنان روستایی در تولید این محصولات از ۴۰ درصد تا ۸۰ درصد برآورد شده است. مشارکت در مرحله داشت کمترین و در مرحله برداشت بیشترین است.

### • دانه‌های روغنی

بیشترین مشارکت زنان در تولید این محصول در مرحله برداشت است که ۵۰ تا ۸۰ درصد گزارش شده است. کمترین مشارکت زنان در مرحله آماده‌سازی زمین (۱۰ درصد) بوده است. مشارکت زنان در سایر مراحل تولید متفاوت بوده است (سرحدی و دیگران، ۱۳۷۴).

### • سیب‌زمینی و پیاز

سیب‌زمینی و پیاز در زمره محصولات کاربر کشاورزی کشور محسوب می‌شود که در تولید آن زنان و کودکان مشارکت زیادی دارند. این محصولات حدود ۴/۹ میلیون تن (۸/۳ درصد) از محصولات کشاورزی کشور را شامل می‌شود.

مشارکت زنان در برخی مناطق مانند آذربایجان (به‌عنوان مرکز عمده تولید این محصولات) به طور کلی ۴۵ درصد بوده است. حداکثر این مشارکت در مرحله داشت (۸۰ درصد) و حداقل آن در مرحله آماده‌سازی زمین (۱۰ درصد) بوده است.

#### • گیاهان صنعتی

مشارکت زنان روستایی در تولید گیاهان صنعتی از حداقل ۱۰ درصد در آماده‌سازی زمین تا ۹۰ درصد در مراحل داشت و برداشت برآورد شده است.

#### • زعفران

زعفران به عنوان یک محصول بسیار باارزش غذایی، دارویی و صادراتی جایگاه ویژه‌ای در تولیدات کشاورزی دارد. این محصول بیشتر به‌وسیله زنان و کودکان و در استان خراسان تولید می‌شود. طبق نتایج به‌دست آمده میزان مشارکت زنان از حداقل ۱۰ درصد در مرحله آماده‌سازی زمین تا حداکثر ۷۰ درصد در مرحله برداشت متفاوت است. این مشارکت در مراحل دیگر تولید یعنی کاشت ۵۰ درصد، داشت ۶۰ درصد و پس از برداشت ۶۰ درصد برآورد شده است.

#### • گیاهان علوفه‌ای

گیاهان علوفه‌ای ۷/۴ میلیون تن (۱۲/۵ درصد) از تولیدات کشاورزی کشور را شامل می‌شود. طبق بررسی میزان مشارکت زنان از حداقل ۱۰ درصد در مراحل آماده‌سازی زمین، کاشت و پس از برداشت تا حداکثر ۸۰ درصد در مرحله برداشت برآورد شده است. این رقم برای مرحله داشت ۵۰ درصد بوده است.

#### • چغندر قند

حدود ۴/۶ میلیون تن (۷/۸ درصد) از تولیدات کشاورزی کشور به این محصول اختصاص دارد. میزان مشارکت زنان در مرحله داشت و برداشت این

محصول در خراسان به ترتیب ۸۵ و ۸۰ درصد برآورد شده است. این ارقام برای نقاط دیگر کمتر بوده ولی در هر حال مشارکت آنان در مراحل داشت (به خصوص وجین کردن) و برداشت معمولاً به صورت غیرماشینی قابل توجه است.

جدول شماره ۲. توزیع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی و سهم زنان در تامین درآمد خانوار

سهم زنان در تامین درآمد خانوار	نسبت مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی					باغداری (%)	قدر نسبی زنان شاغل در بخش کشاورزی (%)	نام حوزه
	دامداری (%)	زراعت			کاشت			
		میانگین	برداشت	داشت				
۲۶۷	۶۲/۶	۱۵/۴۰	۲۷/۸	۱۴/۸	۲/۵۵	۲۰/۳۶	۶۰/۲	شمال شرق کویرنمک - دشت های مجاور نیشابور و سبزوار (کال شور - کویرنمک)
۶۰	۴۰	۱۶/۴	۳۱/۷۲	۱/۳۴	۵/۱۹	۱۴/۲۴	۲۳	هیرمند - ماشکیل - کویرلوت - جازموریان باهو کلات - بلوچستان جنوبی
۴۷/۰	۶۵/۰	۵۴	۸۲	۳۸	۴۲	۳۸	۶۶/۵	میناب
۳۷۰	۷۵/۵	۲۴	۴۰	۲۱	۶۰	۳۲/۵	۵۷/۲۸	غرب کویر لوت
۱۸۷	۵۶	۱۲	۱۶	۸	۱۲	۱۰	۱۱/۲	ابرقو - سیرجان - کویر در انجیر
۳۲/۴	۳۸/۴	۲۴/۲	۱۴/۶	۳۸/۲	۷/۵	۲۸/۷	۱۸/۶	کویر سیاه کوه - ریگ زرین - خورو بیابانک
۳۶۷	۲۹/۴	۱۷	۲۸	۱۴	۲۰/۰	۱۱/۰	۳۱/۶	کارون شمالی
۲۹/۲	۴۹/۸	۲۳/۲	۳۴/۳	۱۹/۳	۱۳/۶	۲۲/۱	۳۸/۲	میانگین

مأخذ: مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف

## ۲-۱. کل محصولات زراعی و باغی

نتایج مطالعات هفت حوزه آبریز در مناطق شرقی، مرکزی و جنوبی کشور نشان می دهد که میانگین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای زیربخش زراعت ۲۳/۲ درصد است که از حداقل ۱۲ درصد در حوزه پنج تا حداکثر ۵۴ درصد در حوزه سه متفاوت است. در این ارتباط بیشترین زنان در فعالیتهای باغداری به

طور میانگین ۲۲/۱ درصد بوده که حداقل آن در حوزه پنج و حداکثر آن در حوزه سه برآورد شده است.

به نظر می‌رسد شرایط اقلیمی و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی این حوزه‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های زراعی و باغی به طور کلی و مراحل گوناگون آن به طور ویژه داشته است. مشارکت زنان روستایی در مراحل پس از برداشت محصول به ویژه در فرآوری، بازاریابی و فروش نیز قابل ذکر است. میزان این مشارکت با توجه به نوع فعالیت‌های تولیدی و منابع معیشتی خانوارها متفاوت بوده است.

### ۳-۱. دامداری

مشارکت زنان روستایی در امور دامداری حوزه‌های آبریز مورد مطالعه بیانگر نقش بارز آنها در این زیربخش است میانگین مشارکت زنان در دامداری ۴۹/۸ درصد است. حداقل مشارکت زنان در این زمینه ۲۹/۴ درصد در حوزه هفت (کارون شمالی) و حداکثر آن ۶۵ درصد در حوزه سه (میناب) می‌باشد. بر اساس نتایج بررسی‌های دیگر (۸۳ روستا) میزان مشارکت زنان در تولید فرآورده‌های دامی بیشتر از ۵۰ درصد، در اکثر روستاهای مورد مطالعه، بوده است. مطالعات موردی در شهرستان بجنورد نیز میزان مشارکت زنان را اغلب بیشتر از مردان (۶۸ درصد در مقابل ۳۲ درصد) گزارش کرده است (گیوه‌چیان، ۱۳۷۴).

### ۴-۱. صنایع روستایی

مشارکت زنان در فرآوری محصولات کشاورزی و دامی و تولید انواع صنایع دستی حائز اهمیت است. انجام این فعالیت‌ها با اهداف گوناگونی از قبیل تأمین امنیت غذایی خانوار، جلوگیری از ضایعات محصول، ایجاد درآمد، خودمصرفی و غیره صورت می‌گیرد. در این میان باید به فعالیت‌هایی از قبیل تهیه نان، غذا، فرآوری شیر، تهیه ترشی و مربا، خشک کردن میوه و سبزی، تهیه رب گوجه‌فرنگی و

انار، تهیه لواشک، گلاب، آب‌لیمو، بافتن فرش و گلیم و جاجیم و حصیر، سوزن‌دوزی، گلدوزی و غیره اشاره کرد. میزان مشارکت زنان در این فعالیت‌ها با توجه به شرایط مناطق طیف وسیعی از نرخ فعالیت را تشکیل می‌دهد.

#### ۱-۵. سهم زنان روستایی در درآمد خانوار

مشارکت بالای زنان روستایی در فعالیت‌های گوناگون کشاورزی و صنایع دستی با تأمین درصد قابل توجهی از درآمد خانوار همواره بوده است. در این ارتباط به طور متوسط ۲۹/۲ درصد از درآمد خانوارهای حوزه‌های آبریز مورد مطالعه از طریق زنان تأمین می‌شود. این نسبت از حداقل ۶ درصد در حوزه دو (هیرمند و ...) تا حداکثر ۴۷ درصد و حوزه سه (میناب) متفاوت است.

#### ۲. نقش مدیریتی زنان روستایی

مفهوم واقعی توانایی زنان روستایی در مشارکت نه تنها با انجام بخشی از کار به‌وسیله آنها بلکه در تصمیم‌گیری و مدیریت فعالیت‌های تولیدی و خانوادگی و امور عمومی روستایی نمایانگر می‌شود. این مفهوم از توانایی نیز با توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگی و ساختار خانوادگی مناطق گوناگون فرق می‌کند.

چندبعدی بودن کار زن در روستا که شامل نقش خانوادگی و نقش تولیدی می‌شود مستلزم صرف زمان و انرژی برای مدیریت آنها می‌باشد تا بتوانند هماهنگی لازم را برای سازماندهی و اجرای این فعالیت‌ها برقرار کنند. بنابراین پاسخگویی مداوم به نیازهای خانواده و محیط کار و مزرعه و همچنین برقراری ارتباط منظم و کارآمد بین این مجموعه فعالیت‌ها نشان‌دهنده توان بالای مدیریتی زنان می‌باشد. نتایج مطالعه‌ای که در مورد چگونگی صرف اوقات شبانه‌روزی زنان و مردان روستایی انجام شده نشان می‌دهد زنان به‌طور متوسط دو سوم اوقات خود را صرف

تولید و اداره امور منزل و سازماندهی فعالیت‌های گوناگون می‌کنند، در حالی که مردان فقط یک سوم از اوقات خود را در این زمینه صرف می‌کنند (ورزگر، ۱۳۷۶).  
 قبل از اصلاحات ارضی زنان روستایی نقش چندانی در تصمیم‌گیری‌های روستای خود نداشتند و حضور آنان در کنار مردان غیرمعمول بود (بابایی، ۱۳۷۶).  
 بعد از اصلاحات ارضی هم علی‌رغم تلاش تبلیغاتی برای ورود زنان در انتخابات و صحنه جامعه، از آن‌جا که برنامه‌ریزی اساسی برای حضور واقعی زنان در سطح جامعه صورت نگرفته بود، در عمل با مقاومت‌هایی از طرف گروه‌های اجتماعی و نهادهای سنتی و فرهنگی مواجه گردید. در حال حاضر نیز حضور واقعی زنان در نهادها، مؤسسه‌ها، تعاونی‌ها و شوراها، به ویژه در سطح مدیریتی محسوس نیست. در حالی که انتظار می‌رفت که زنان روستایی به‌طور فعال و مؤثری در مراحل گوناگون برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و سیاست‌های توسعه مشارکت داشته باشند تا ضمن ارائه توانایی‌های مدیریتی خود، در تقویت و گسترش این توانایی‌ها نیز کارآموده شوند.

## ۲-۱. نقش مدیریتی زنان روستایی در خانواده

نقش مدیریتی زنان در خانواده با توجه به ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی آنها در مناطق گوناگون کشور متفاوت است. میزان رفاه و سطح زندگی خانواده در نقش‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به تحصیل و اشتغال و تنظیم بودجه خانواده مؤثر است. افزون بر آن دسترسی به آموزش و برخورداری از آگاهی‌های اجتماعی در این زمینه تعیین‌کننده است. در شرایط زندگی روستایی به علت درهم‌آمیختگی محل کار و زندگی و ارتباط دائمی زن و مرد معمولاً زمینه‌های تبادل فکری بیشتری فراهم می‌شود. تا جایی که در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها حضور پشت

صحنه زنان را می‌توان ردیابی کرد. با این حال شرایط فرهنگی و پاره‌ای تعصبات سنتی مانع از حضور علنی این امر گردیده است.

نتایج یک نظرخواهی در مورد میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره منزل نشان می‌دهد حدود ۴۰/۴ درصد از پاسخگویان صاحب‌نظر، میزان مشارکت زنان را در تصمیم‌گیری‌های امور منزل کم، حدود ۴۸/۶ درصد متوسط و فقط ۱۱ درصد آن را زیاد اعلام کرده‌اند. به علاوه مشارکت زیاد زنان در برنامه تنظیم خانواده و آموزش فرزندان برجسته‌تر از سایر موارد بوده است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. میزان مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های امور منزل

جمع	کم	متوسط	زیاد	میزان مشارکت
				امور منزل
۳۷	۱۸	۱۸	۱	تنظیم بودجه خانوار
۳۷	۲۲	۱۵	۰	انتخاب شغل اعضا
۳۷	۱۵	۱۵	۷	تنظیم خانواده
۳۷	۶	۲۴	۷	آموزش فرزندان
۳۷	۱۴	۱۸	۵	ازدواج فرزندان
۱۸۵	۷۵	۹۰	۲۰	جمع
۳۷	۱۵	۱۸	۱۴	میانگین
۱۰۰	۴۰/۴	۴۸/۶	۱۱	درصد

مأخذ: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف

## ۲-۲. نقش مدیریتی زنان روستایی در زراعت و دامداری

یافته‌های مطالعه میزان مشارکت زنان در مراحل گوناگون مدیریتی محصولات اساسی زراعی و دامی که در سال ۱۳۷۳ در چند استان کشور انجام گرفته نشان می‌دهد تصمیم‌گیری در مورد فروش، انتخاب نوع کشت هزینه‌ها، کنترل درآمد کشاورزی و نحوه استفاده از مازاد محصول بر عهده مردان بوده است و زنان در این زمینه دخالت اندکی داشته‌اند. اما در برخی روستاها که زنان فعالیت‌های عمده کشاورزی را عهده‌دار هستند، تصمیم‌گیری در مورد استخدام کارگر (یاور) بر عهده زنان است. اما همچنان تصمیمات کلیدی همچون خرید و فروش نهادهای تولید و مسائل کشاورزی به وسیله مردان گرفته می‌شود (مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف).

مطالعات دیگر نیز ارتباط بین فعالیت‌های یدی (کارگری) زنان را با میزان تصمیم‌گیری تأیید می‌کند. به عنوان نمونه در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان که فعالیت زنان در امور کشاورزی بیشتر است، دخالت بیشتری نیز در تصمیم‌گیری‌ها دارند (مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف).

برخی مطالعات نشان می‌دهد زنان و دختران که بافندگان اصلی قالی هستند دخالتی در خرید و فروش آن ندارند. حتی گفته می‌شود که پدران خانواده به منظور سودجویی بیشتر ازدواج دختران را به تعویق می‌اندازند (نواب اکبر، ۱۳۷۶).

نتایج یک نظرخواهی از ۸۴ نفر از افراد صاحب‌نظر در مسائل کشاورزی و روستایی نشان می‌دهد ۴۴ درصد از پاسخگویان میزان مشارکت زنان را در تصمیم‌گیری‌های مراحل گوناگون تولید کم، ۳۸ درصد متوسط و ۱۸ درصد آن را زیاد اعلام کرده‌اند (جدول شماره ۴) مقایسه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های



مراحل گوناگون تولید نشان می‌دهد مشارکت آنان در مرحله فرآوری به مراتب بیشتر از سایر مراحل است.

جدول شماره ۴. میزان مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مراحل گوناگون تولید

جمع	کم	متوسط	زیاد	میزان مشارکت
				مراحل تولید
۱۴	۸	۵	۱۴	قبل از کاشت
۱۴	۸	۵	۱	کاشت
۱۴	۴	۸	۲	داشت
۱۴	۷	۸	۲	برداشت
۱۴	۲	۴	۸	فرآوری
۱۴	۸	۵	۱	بازاریابی
۸۴	۳۷	۳۲	۱۵	جمع
۱۴	۶	۶	۲	میانگین
۱۰۰	۴۴	۳۸	۱۸	درصد

مأخذ: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف

قسمت دیگری از نتایج این نظرخواهی به میزان مشارکت زنان در دسترسی به عوامل تولید اختصاص دارد (جدول شماره ۵) براساس ۷۴ درصد از پاسخگویان میزان مشارکت آنان در دسترسی به عوامل تولید را کم، ۲۱ درصد متوسط و فقط ۵ درصد زیاد اعلام کرده‌اند. نظرات پاسخگویان در مورد دسترسی زیاد به برخی نهاده‌ها مانند اعتبارات بانکی، زمین، ماشین‌آلات و سایر نهاده‌ها صفر اعلام شده است. در بین موارد یاد شده دسترسی زنان به امور دام بیش از سایر موارد بوده است (مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف).

جدول شماره ۵. میزان مشارکت زنان روستایی در دسترسی به عوامل تولید

جمع	کم	متوسط	زیاد	میزان مشارکت
				عوامل تولید
۳۷	۳۲	۵	۰	زمین
۳۷	۳۴	۲	۱	آب
۳۷	۱۱	۱۷	۹	دام
۳۷	۳۳	۴	۰	اعتبارات بانکی
۳۷	۱۵	۱۹	۳	آموزش و ترویج
۳۷	۳۰	۷	۰	نهاده‌های کشاورزی
۳۷	۳۶	۱	۰	ماشین‌آلات
۲۵۹	۱۹۱	۵۵	۱۳	جمع
۳۷	۲۷	۸	۲	میانگین
۱۰۰	۷۴	۲۱	۵	درصد

مأخذ: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف

### ۳-۲. نقش مدیریتی زنان روستایی در نظام‌های بهره‌برداری

نقش مدیریتی زنان در نظام‌های سنتی بهره‌برداری مانند نظام ارباب و رعیتی قبل از اصلاحات ارضی چندان اهمیت نداشت، زیرا در این نظام اصولاً مباشرت و تصمیم‌گیری روستایی و کشاورزی از طریق سلسله مراتب مشخص متشکل از مباشران ارباب، کدخدا، سربندها و نسق‌داران که جملگی مرد بودند اتخاذ می‌شد. پس از اصلاحات ارضی در پاره‌ای موارد زنان در جرگه تصمیم‌گیران امور بهره‌برداری‌های تحت تملک خود قرار گرفتند. رفته رفته با تغییر الگوی کشت و شکل‌گیری واحدهای تجاری از یک سو نیاز به نیروی کار زنان در محصولات کاربر از قبیل پنبه، چغندر قند، سبزی و صیفی بیشتر شد و از سوی

دیگر زمینه مساعدتری برای اداره امور بهره‌برداری‌های کوچک و متوسط به وسیله زنان فراهم گردید. این موضوع به خصوص در واحدهای کوچک شمال کشور ملموس است.

گسترش شدید رابطه بین شهر و روستا و به خصوص مهاجرت مردان روستایی به شهرها یکی از عوامل مؤثر در افزایش مشارکت زنان در مدیریت واحدهای بهره‌برداری بوده است. زیرا در نبود مردان خانوار ناگزیر زنان جایگزین نقش شوهران، پدران یا پسران خود می‌شوند. به نظر می‌رسد این نقش‌آفرینی در واحدهای بهره‌برداری کوچک و در خانواده‌های کم‌زمین و بی‌زمین برجسته‌تر می‌باشد. زیرا بیشترین مهاجرت روستایی فصلی و دائمی نیز از همین خانوارها انجام می‌گیرد. بنابراین زنان این نوع خانوارها متحمل فشار مضاعفی می‌شوند زیرا نه تنها وظایف همیشگی خود را ادامه می‌دهند بلکه از آن پس باید به جای مردان خانواده نیز ایفای نقش می‌کنند. این وضعیت می‌تواند مفهوم خاصی از زنان سرپرست خانوار را در ادبیات مسائل آسیب‌شناسی زنان مطرح کند.

در مطالعه‌ای که به منظور برآورد میزان مشارکت زنان در مدیریت واحدهای بهره‌برداری انجام شده است، حدود ۱۷ درصد از پاسخگویان میزان مشارکت زنان را زیاد، ۳۵ درصد متوسط و ۴۷ درصد کم اعلام کرده‌اند. در حالی که در مورد واحدهای کوچک ۴۴ درصد از آنان میزان مشارکت زنان در مدیریت را زیاد اعلام کرده‌اند. در واحدهای متوسط و بزرگ این رقم فقط ۳ درصد اعلام شده است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶. میزان مشارکت زنان روستایی در مدیریت واحدهای بهره‌برداری

جمع	کم	متوسط	زیاد	میزان مشارکت
				واحد بهره‌برداری
۳۴	۷	۱۲	۱۵	زیر ۲ هکتار
۳۲	۱۱	۲۰	۱	۲-۵ هکتار
۳۲	۲۸	۳	۱	۵-۱۰ هکتار
۹۸	۴۶	۳۵	۱۷	جمع
۳۲	۱۵	۱۲	۵	میانگین
۱۰۰	۴۷	۳۵/۷	۱۷/۳	درصد

مأخذ: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ الف

## نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش‌های میدانی در سطح کلان ملی و مطالعات منطقه‌ای و موردی همه نشان‌دهنده سهم قابل توجه زنان روستایی در تولیدات زراعی و دامی کشور است. تولید محصولاتی مانند برنج، چای، پنبه و سبزی و صیفی بدون کار زنان روستایی عملاً ممکن نخواهد بود. بیش از ۸۰ درصد فعالیت‌های مورد نیاز در تولید این محصولات به وسیله زنان انجام می‌شود.

دامداری آن‌چنان با زندگی زنان روستایی آمیخته شده که آن را بخشی از وظایف خانه‌داری خود می‌پندارند. با وجود این ایستارهای سنتی، فرهنگ مردسالاری، تبعیض‌های جنسیتی و طرز نگرش به زن در جامعه و خانواده روستایی باعث می‌شود که زنان - به‌عنوان یک انسان دارای هویت و پایگاه مستقل - از امنیت اجتماعی برخوردار نباشند. به طوری که هویت زنان در کودکی وابسته به خانواده تحت سرپرستی و پدر و برادر و در بزرگسالی و با ازدواج وابسته به همسر می‌شود

(آزادی و کرمی، ۱۳۷۶). از این رو اغلب از ارائه نظر و تصمیم‌گیری برای مسائل گوناگون دور نگه داشته می‌شوند.

ارزش‌ها، هنجارها، قوانین رسمی و عرفی و الگوهای سنتی با کلیشه‌سازی از نقش مرد و زن از طریق فرایند جامعه‌پذیری، نقش زنان روستایی را به آنها می‌آموزند و پایگاه اجتماعی زنان تحت تأثیر این عوامل تعیین می‌شود. در نتیجه زن روستایی همواره به کارهای دشوار و وقت‌گیر در مزرعه و خانه مشغول بوده و همین مانع دسترسی وی به اطلاعات و منابع لازم و تسهیلات مادی مانند مراجعه به سازمان‌ها، بانک، تعاونی و ورود به مقاطع آموزشی بالاتر می‌شود. حتی آموزش دختران نیز اغلب با تأکید بر بهداشت، تغذیه و مراقبت از کودک، کنترل موالید و به‌طور کلی خانه‌داری انجام می‌گیرد و دختران روستایی اطلاعاتی در مورد مسائل نوین کشاورزی، کسب و کار و مدیریت کسب نمی‌کنند.

تعداد زیاد فرزندان، استفاده از اوقات فراغت را در زنان تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از طرف دیگر یکی بودن محل کار و زندگی و هم‌زمان بودن این فعالیت چندانگانه، استفاده از اوقات فراغت زنان روستایی را به حداقل می‌رساند. تا جایی که ممکن است رفته رفته سلامت روان و جسم او را به خطر اندازد. این مسأله در بین خانواده‌های کم‌درآمد شدت بیشتری دارد.

همچنین زنان و دختران، به لحاظ فرهنگی، تغذیه مردان و پسران را، نسبت به خود، در اولویت قرار می‌دهند. این مسأله آسیب‌پذیری زنان روستایی را به خصوص در خانواده‌های محروم، شدت بخشیده است. اساسی‌ترین محدودیت زنان روستایی بی‌سواد و کم‌سوادی، نبود و کمبود آگاهی نسبت به مسائل کار و زندگی و روابط و حقوق اجتماعی است.

مطالعه موردی «نوآوری و دانایی ملی» به مقایسه شاخص دانایی زنان روستایی با زنان کل کشور پرداخته و نشان داده است که دانایی زنان روستایی معادل یک هفتم تا یک ششم دانایی زنان کل کشور است. چنانچه شاخص این مقایسه عدد ۱۰۰ فرض شود؛ سطح دانایی زنان روستایی ۹/۴ درصد و سطح دانایی زنان کشور ۶۳/۴ درصد است (مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶ ب).

محدودیت دانایی و آگاهی باعث می‌شود که زنان روستایی از توانایی‌ها و حقوق خود مطلع نباشند و جایگاه واقعی و انسانی خویش را در جامعه و خانواده تشخیص ندهند، این مسأله موجب عدم اعتماد به نفس و ناخودباوری در آنان خواهد شد.

هرچند به لحاظ قوانین اسلامی (مانند ارث) هیچ‌گونه محدودیتی برای مالکیت زنان روستایی وجود ندارد اما به طور عرفی کنترل زمین در دست مردان (شوهر، پسر، برادر) است. در بعضی نقاط مانند روستاهای بویراحمد بر اساس رسوم اجتماعی، زن از زمین پدر ارث نمی‌برد و تنها زمانی که همسر او فوت کند به علت صغر سن کودک، مالکیت و مدیریت بهره‌برداری، اراضی بدون سند در اختیار زن قرار می‌گیرد (دفتر مطالعات و بررسی روش‌های ترویجی، معاونت ترویج، ۱۳۷۶).

همین امر یعنی نداشتن سند و در واقع عدم مالکیت زمین علت اصلی ناتوانی زنان برای دریافت وام است. این مسأله باعث می‌شود که زنان روستایی نتوانند از بانک‌ها اعتبار یا وام کافی دریافت کنند.

عدم دسترسی به وام و سایر منابع درآمد، مانع سرمایه‌گذاری زنان می‌شود و زنان علاقه‌مند و فعال را در موقعیت مزد و حقوق بگیری متوقف می‌کند. افزون بر آن دسترسی زنان را به عوامل و نهاده‌های تولید، آموزش و کسب و کار با

دشواری مواجه می‌سازد. همچنین ورود ماشین‌آلات و تکنولوژی جدید در بسیاری از موارد، پایگاه شغلی و اجتماعی زنان را متزلزل کرده است.

تحقیقات انجام شده در استان‌های گوناگون نشان می‌دهد دستمزد زنان در اغلب موارد نصف دستمزد مردان است و در بعضی نقاط مانند سیستان و بلوچستان حتی به کمتر از نصف می‌رسد (حیدرزاده، ۱۳۷۶).

همچنین در مزارع خانوادگی نیز انجام کارهای بدون مزد در تمامی استان‌ها متداول است. متوسط ساعات کار روزانه زنان روستایی در فصل‌های زراعی ۱۴/۳۷ ساعت است که از این مقدار ۹/۳۶ ساعت به فعالیت‌های تولیدی (زراعی، فرآوری و تبدیلی) و بقیه به فعالیت‌های بازتولیدی در خانه اختصاص دارد. انجام مسؤولیت‌های متعدد تولیدی و بازتولیدی و آمیختگی فعالیت‌های خانه‌داری و فعالیت‌های اصلی و جنبی کشاورزی که اغلب با مشکلاتی از جمله مراقبت از فرزندان در حین کار همراه است نه تنها کارایی آنها را پایین آورده بلکه باعث می‌شود دستمزد کمتری دریافت کنند. مسائل و مشکلات بیولوژیک جسمی خاص زنان در حین کار، فرزندآوری مکرر و دوران شیردهی نیز باعث کاهش تحرک و توانایی کارکردن در آنان می‌شود.

اگرچه تمامی مطالعات انجام شده نشانگر نقش قابل توجه زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی است، ولی مشارکت آنها در مدیریت و تصمیم‌گیری اندک است. به عبارتی زنان روستایی وقتی توانا هستند که تنها انجام دهنده بخشی از کار نباشند بلکه در مدیریت و تصمیم‌گیری نیز شریک باشند.

سیر تاریخ و گذران زندگی روستایی وجود توانایی بالقوه در زنان روستایی را ثابت کرده و توانایی بالفعل آنها را نیز در ایفای نقش‌های چندگانه مدیریتی به اثبات رسانده است. به حساب آوردن زنان روستایی در برنامه‌ریزی‌ها، سیاستگذاری‌ها و

اصلاح مقررات دست و پاگیر و وضع قوانین جدید برای بهبود موقعیت آنها، اولین اقدام برای توانمند کردن زنان روستایی است.



## منابع

- آزادی، حسین و عزت‌الله کرمی (۱۳۷۶)، «زنان روستایی، توسعه و تکنولوژی نوین، فراتحلیل»، مجموعه مقالات دومین گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳.
- انصافی‌پور، غلامرضا (۱۳۶۶)، *قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ*، شرکت نسبی کانون کتاب، تهران.
- بابایی، محبوبه (۱۳۷۶)، «تحولات فرایند مشارکت زنان روستایی ایران در گذار به جامعه صنعتی»، خلاصه گزارش گروه‌های مطالعاتی گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، جلد اول، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- حیدرزاده، زهرا (۱۳۷۶)، «موانع مشارکت اجتماعی زنان با تأکید بر جوامع روستایی»، خلاصه گزارش گروه‌های مطالعاتی گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، جلد اول، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- دفتر مطالعات و بررسی روش‌های ترویجی، معاونت ترویج (۱۳۷۶)، تلخیص از گزارش نهایی بررسی زنان روستایی کشور، نشر آموزش کشاورزی.
- سرحدی، فریده و دیگران (۱۳۷۴)، «نقش اجتماعی - اقتصادی زنان در روستای آهندان لاهیجان»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سوم، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، بهار.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۴)، «زنان کشاورز ایرانی در برنامه‌های توسعه» *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سوم، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، بهار.
- علویقی، علی‌اکبر (۱۳۵۷)، *زن در آینه تاریخ*، شرکت چاپ، تهران.
- فخرالدین، رفعت (۱۳۷۳)، «میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی و بررسی وضعیت آموزش آنان در شهرستان شوشتر»، پایان‌نامه

- کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی.
- فنی، زهره (۱۳۷۶)، «ساختار مشارکت زنان در توسعه کشاورزی»، مجموعه مقالات دومین گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳.
  - کرمی، عزت‌الله و نوذر منفرد (۱۳۷۶)، «پیامد به‌کارگیری تکنولوژی در زراعت برنج بر زنان شالیکار»، مجموعه مقالات دومین گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳.
  - گیوه‌چیان، فاطمه (۱۳۷۴)، «سنگ زیرین آسیا: زن یا مرد»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سوم، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، بهار.
  - لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴)، «بررسی جامعه‌شناسی نقش زن در کشاورزی ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سوم، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، بهار.
  - مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۵)، *مطالعه زنان روستایی در حوزه‌های آبریز*.
  - مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۶ الف)، «سازماندهی و مدیریت زنان روستایی در بخش کشاورزی، خلاصه گزارش گروه‌های مطالعاتی گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، جلد چهارم.
  - مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۶ ب)، «نوآوری و دانایی ملی در مشارکت زنان روستایی»، خلاصه گزارش گروه‌های مطالعات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، جلد چهارم.
  - محبویی، محمدرضا (۱۳۷۴)، «ضرورت شمول نظام آموزش ترویج بر زنان روستایی»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سوم، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، بهار.

- مهرابی بشرآبادی، حسین (۱۳۷۶)، «بررسی اثر پیشرفت تکنولوژی کشاورزی بر وضعیت اشتغال و آموزش زنان روستایی در ایران»، مجموعه مقالات دومین گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳.
- نواب اکبر، فیروزه (۱۳۷۶)، «نقش زنان روستایی در توسعه کشاورزی در دهه گذشته»، مجموعه مقالات دومین گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳.
- ورزگر، شراره (۱۳۷۶)، «نقش زنان در فرایند توسعه»، مجموعه مقالات توسعه پایدار کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۱)، *آمارنامه کشاورزی سال زراعی ۱۳۷۹-۸۰*، شهریور.
- Blumberg, R. L. (1981), "Rural Women in Development", in *Women and World Change*, edited by N. Black and A. B. Cottrell, Beverley Hills : Sage.
- Bosrup, E. (1970), *Women's Role in Economic Development*, New York : St. Martin's Press.
- Feldman, Sh. (1991), "Still Invesible : Women in the Informal Sector", in *Women and International Development Annual*, edited by R. Gallinand and A. Ferguson, Westview Press.
- Jeanne, F. (Ed.) (1988), *Gender Issues in Rural Development*, A Workshop Report, ILO, Quezon City : Ateneo de Manila University.
- Serageldin, I. (1995), *Nurturing Development*, World Bank, Washington D.C.

- Torres Amaryllis, T. (1989), *Women's Participation in Countryside Development : Gender Analysis of Rural Development*, Quezon City : Center for Integrative and Development Studies.
- United Nations (1985), *The Nairobi Forward - Looking Strategies for the Advancement of Women*, Nairobi, Kenya.
- United Nations (1996), "Economic and Social Commission for Asia and the Pacific", *People's Participation for Community Development*.